



Translation and Frequency Measurement of Persian Morphemes in the First Ten Stanzas of the Terkib-band of Bağdatlı Ruhî

Abdolreza Seif^{✉1} Mahmoud Fazilat² Mohammad Hasan Gholami³

1. Corresponding author, Department of Persian Language and Literature Group, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: seif@ut.ac.ir

2. Department of Persian Language and Literature Group, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mfazilat@ut.ac.ir

3. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: gholami1@ut.ac.ir

Article Info ABSTRACT

Article Type:
Research
Article

Article History:

Received:
8, April, 2023

In Revised form:
7, May, 2023

Accepted:
13, May, 2023

Published Online:
21, September,
2023

The interactions between languages are very common. The languages that are connected with political power, social dynamics and cultural ability have wider effects on their neighboring languages. Iranian languages have enjoyed such a position for many centuries, both before and after the arrival of Islam in Iran. The existence of numerous elements of Sogdian, Pahlavi and Persian languages in different languages shows this. The Persian language, as one of the most important and influential languages of the Islamic world, has had a wide impact on other languages of this vast geography throughout its long history. Indeed, after Iranians accepted Islam, the Persian language found a privileged position among the languages of Islamic culture and civilization and became a medium for transferring religious topics and words to other non-Arab Muslim societies. In such a way that even many Arabic words found their way to other languages, not directly but through the Persian language. The role of Iranians in the bureaucracy system of Islamic societies and the formation of a rich literature were other factors that made other Muslims pay attention to this language. The Ottoman Turkish is one of the languages that has received the most linguistic, intellectual and literary influences from Iranian culture and Persian language. Turkic languages are a group of languages that have been influenced by the Persian language to different degrees and have also had some effects on it. When Divan literature, which was based on Islamic culture and Persian language and literature, was formed, the frequency of Arabic and Persian words in the Ottoman Turkish language increased highly. For example, the frequencies of such words in the poetries of Nef'i and Baki have been estimated at 60% and 65% respectively. This increase in Divan poetry reached such a point that sometimes only verbs were expressed in Turkish. With the beginning of the era of reforms and the increase of western and archaistic ideas in Anatolia, especially after the establishment of the Republic of Turkey, the rejection of eastern values intensified and extensive measures were taken to purify Turkish language in this country. In this way, many Arabic and Persian words were discarded and Turkish equivalents were found or created for them. Despite this, nowadays, many Arabic and Persian words, combinations, grammatical elements and expressions can still be observed in Turkish language; although their frequency has undoubtedly decreased compared to Ottoman Turkish. In this research, in addition to translating the first ten stanzas of the famous Terkib-band of Bağdatlı Ruhî into Persian, we use the statistical analysis and frequency measurement method to calculate the influence of the Persian language on this sample of Ottoman Turkish lyrical poetry at the morpheme level. The findings of this research show that more than one fifth of the morphemes in this text are borrowed from Persian. There are also important intellectual common aspects between Persian literature and the aforementioned poetry.

Keywords: Bağdatlı Ruhî, Frequency Measurement, Language Interaction, Morpheme, Terkib-band.

Cite this The Author (s): Seif, A., Fazilat, M., H. Gholami, M.H.: 2023. Translation and Frequency Measurement of Persian Morphemes in the First Ten Stanzas of the Terkib-band of Bağdatlı Ruhî, Vol. 13, No. 1, Serial No. 31- Spring- Summer, (69-88). DOI:10.22059/jpl.2023.357561.2166





برگردان و بسامدسنجی تک‌واژه‌های فارسی ده‌بند نخست ترکیب‌بند روحی بغدادی

عبدالرضا سیف^۱، محمود فضیلت^۲، محمدحسن غلامی^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Seif@ut.ac.ir

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mfazilat@ut.ac.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: gholami1@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

دادوستد میان زبان‌ها امری بسیار شایع و رایج است. زبان فارسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین زبان‌های جهان اسلام، در طول تاریخ درازدامن خود، تأثیرات گسترده‌ای بر دیگر زبان‌های این جغرافیای وسیع نهاده است. زبان ترکی عثمانی یکی از زبان‌هایی است که بیش‌ترین تأثیرات زبانی و فکری و ادبی را از فرهنگ ایرانی پذیرفته است. زمانی که ادبیات دیوانی، که بر فرهنگ اسلامی و زبان و ادب فارسی استوار بود، شکل گرفت، بر بسامد واژه‌های عربی و فارسی در زبان ترکی عثمانی افزوده شد. این فزونی در شعر دیوانی به حدی رسید که گاه تنها افعال به زبان ترکی بیان می‌شدند. پس از تأسیس جمهوری ترکیه، نفی ارزش‌های شرقی شدت یافت و اقداماتی گسترده در جهت پالایش زبان ترکی در این کشور صورت پذیرفت. بدین ترتیب، واژه‌های عربی و فارسی بسیاری کنار گذاشته و برابری ترکی برای آن‌ها یافته یا ساخته شدند. با وجود این، امروزه همچنان واژه‌ها، ترکیبات، عناصر دستوری و تعابیر عربی و فارسی فراوانی در زبان ترکی استانبولی مشاهده می‌شوند؛ گرچه بسامد آن‌ها نسبت به زبان ترکی عثمانی، اندک‌تر شده است. در این پژوهش، افزون بر برگردان ده‌بند آغازین ترکیب‌بند پُرآوازه روحی بغدادی از ترکی عثمانی به فارسی، با کاربست روش تحلیل آماری و بسامدسنجی به محاسبه میزان تأثیرگذاری زبان فارسی بر این نمونه شعر غنایی زبان ترکی عثمانی در سطح تک‌واژه می‌پردازیم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که بیش از یک‌پنجم تک‌واژه‌ها در این متن از زبان فارسی به وام گرفته شده‌اند. اشتراکات فکری مهمی نیز میان آثار ادب فارسی با شعر یادشده وجود دارد.

نوع مقاله:

علمی-پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۱/۱۹

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۲/۲۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۶/۳۰

واژه‌های کلیدی:

بسامدسنجی، ترکیب‌بند، تک‌واژه، داد و ستد زبانی، روحی بغدادی.

استناد: سیف، عبدالرضا؛ فضیلت، محمود؛ غلامی، محمدحسن. (۱۴۰۲)، برگردان و بسامدسنجی تک‌واژه‌های فارسی ده‌بند نخست ترکیب‌بند روحی بغدادی. ادب فارسی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار-تابستان، پیاپی ۳۱. (۶۹-۸۸).
DOI:10.22059/jpl.2023.357561.2166

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

داد و ستد زبانی، امری بسیار شایع میان زبان‌های انسان است؛ به‌گونه‌ای که امروزه کم‌تر زبان زنده‌ای را می‌توان یافت که تهی از عناصر زبان‌های بیگانه باشد؛ اگر اساساً چنین زبان‌هایی وجود داشته باشند. در این میان، زبان‌هایی که با قدرت سیاسی، پویایی اجتماعی و توانایی فرهنگی پیوند می‌خورند، تأثیرات گسترده‌تری بر زبان‌های مجاور خود می‌گذارند. زبان‌های ایرانی در طول سده‌های متمادی، چه پیش از ورود اسلام به ایران و چه پس از آن، از چنین جایگاهی برخوردار بوده‌اند. وجود عناصر پُرشمار زبان‌های سغدی، پهلوی و فارسی در زبان‌های مختلف نشان‌دهنده این امر است. پس از پذیرش دین مبین اسلام توسط ایرانیان، زبان فارسی، جایگاهی ممتاز در میان زبان‌های فرهنگ و تمدن اسلامی یافت و واسطه‌ای برای انتقال مباحث و واژه‌های دینی به دیگر جوامع تازه‌مسلمان غیر عرب شد؛ به نحوی که حتی واژه‌های عربی فراوانی، نه به طور مستقیم بلکه از طریق زبان فارسی به زبان‌های دیگر راه یافتند. نقش ایرانیان در نظام دیوان-سالاری جوامع اسلامی و شکل‌گیری ادبیاتی مابه‌ور از دیگر عوامل توجه سایر مسلمانان به این زبان شد.

زبان‌های ترکی گروهی از زبان‌ها هستند که به درجات مختلفی از زبان فارسی متأثر شده و تأثیراتی نیز بر آن نهاده‌اند. زمانی که ادبیات دیوانی، که بر فرهنگ اسلامی و زبان و ادب فارسی استوار بود، شکل گرفت، بر بسامد واژه‌های عربی و فارسی در زبان ترکی عثمانی افزوده شد. برای نمونه، بسامد چنین واژه‌هایی را در دیوان‌های نفعی و باقی به ترتیب ۶۰٪ و ۶۵٪ تخمین زده‌اند. این فزونی در شعر دیوانی به حدی رسید که گاه تنها افعال به زبان ترکی بیان می‌شدند (دلبری‌پور، ۱۳۸۲: ۸۰). با آغاز دوران اصلاحات و افزایش اندیشه‌های غرب‌گرایانه و باستان‌گرایانه در آناتولی، به‌خصوص پس از تأسیس جمهوری ترکیه، نفی ارزش‌های شرقی شدت یافت و اقداماتی گسترده در جهت پالایش زبان ترکی در این کشور صورت پذیرفت. بدین ترتیب، واژه‌های عربی و فارسی بسیاری کنار گذاشته و برابری ترکی برای آن‌ها یافته یا ساخته شدند. با وجود این، امروزه همچنان واژه‌ها، ترکیبات، عناصر دستوری و تعبیر عربی و فارسی فراوانی در زبان ترکی استانبولی، که در خود این کشور به ترکی ترکیه موسوم است، مشاهده می‌شوند؛ گرچه بسامد آن‌ها نسبت به زبان ترکی عثمانی، بی‌تردید اندک‌تر شده است. در این پژوهش، ده بند نخست ترکیب‌بند مشهور روحی بغدادی را، به‌عنوان شعری که به زبان ترکی عثمانی سروده شده است، به فارسی برگردانده‌ایم و تعداد و بسامد تکواژهای فارسی را در آن‌ها نشان داده‌ایم تا تأثیرات زبان و ادب فارسی را بر آن در سطوح فکری و زبانی بررسی کنیم.

۲. مفاهیم نظری

زبان‌شناسان و پژوهش‌گران دستور زبان، زبان‌های انسانی را در محورها و سطوح گوناگونی بررسی و مطالعه می‌کنند. هرچند این محورها و سطوح در نمود بیرونی به یک‌دیگر آمیخته و پیوند خورده‌اند، این تقسیم‌بندی‌ها برای تحلیل نظری سودمند و حتی بایسته هستند.

محورهای هم‌نشینی و جانشینی، که مشخصاً توسط فردینان دوسوسور، زبان‌شناس و نشانه‌شناس سویسی مورد معرفی و بررسی قرار گرفتند، از جمله ابعاد نظری یادشده هستند. زبان‌های انسانی، بر محور هم‌نشینی، ساختی ترتیبی و سلسله‌مراتبی دارند که می‌توان سطوح آن را به ترتیب از خرد به کلان چنین نمایش داد:

واج ← تک‌واژه ← واژه ← گروه ← جمله ← جمله مستقل (آخوندی، ۱۳۷۸: ۲۶).

از این میان، واژه را کوچک‌ترین واحد نحو نامیده‌اند. خود واژه ممکن است از اجزای کوچک‌تری ساخته شده باشد که به تک‌واژه موسوم‌اند. در واقع، اگر بتوان واژه را به عناصر کوچک‌تری تقسیم نمود که هر یک از آن‌ها دارای معنا یا نقش دستوری باشند، این عناصر را تک‌واژه می‌خوانند. تک‌واژه ممکن است یک واژه باشد مانند «دست»، و یا بخشی از یک واژه مانند پسوند «ه» در «دسته» که خود قابل تقسیم به اجزای کوچک‌تر نیست (شقایق، ۱۳۸۶: ۲۹۳). بنابراین، تک‌واژه را می‌توان خردترین سطح زبان دانست که علاوه بر نمود آوایی، با سطحی از معنا آمیختگی می‌یابد. برخی پژوهش‌گران، گونه‌های ترکیب عناصر زبانی را نه تنها از منظر اطلاعات تک‌واژی و نحوی، بلکه از منظر داده‌های روان‌شناختی سخن‌وران یک زبان نیز واجد اهمیت می‌دانند (Lee et al., 2021: 1).

زبان‌های انسانی، برای ایجاد واژه‌های مورد نیاز خود از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کنند. در زبان فارسی دست‌کم از پنج روش برای ساخت واژه‌های جدید استفاده می‌شود؛ ترکیب، اشتقاق، تکرار، تخفیف و تخلیص در این زبان پرکاربرد هستند (وفایی و آلبوغیبش، ۱۳۹۰: ۱). از دیگر سو، زبان ترکی، زبانی پیوندی یا چسبانشی است که در این راستا به میزان گسترده‌ای از پسوندها بهره می‌گیرد (Saldana, Oseki & Culbertson, 2021: 9).

در این پژوهش، در استخراج تک‌واژه‌های فارسی ده بند نخستین ترکیب‌بند روحی بغدادی، هم تک‌واژه‌های دستوری مانند «-ان» نشانه جمع که غالباً تک‌واژه تصریفی محسوب می‌گردد (علی‌نژاد و طیب، ۱۳۸۵: ۱۶۴). و هم تک‌واژه‌های قاموسی مانند «انگور» را مورد شمارش قرار می‌دهیم.

هم‌چنین شایان ذکر است که تک‌واژه صفر در زبان ترکی نیز مورد شمارش قرار گرفته است. توضیح آن که در زبان ترکی نیز، مانند زبان فارسی، افعال سوم شخص مفرد زمان گذشته و امر دوم شخص مفرد دارای تک‌واژه صفر هستند؛ چرا که در قیاس با سایر اشخاص، فاقد شناسه هستند. افزون بر این، افعال سوم شخص مفرد زمان حال ترکی هم، بر خلاف فارسی، دارای تک‌واژه صفر به شمار می‌آیند (Sarı et al., 2015: 807).

۳. روحی بغدادی

مناسب است که در این مجال، اشاره‌ای اجمالی و مختصر به سراینده شعر مورد بررسی در این پژوهش داشته باشیم.

مهم‌ترین سراینده قالب ترکیب‌بند در ادبیات کلاسیک ترکی، روحی بغدادی است. وی، یکی از شاعران قرون شانزدهم و هفدهم میلادی، برابر با سده‌های دهم و یازدهم هجری قمری و متولد بغداد بوده است. روحی بغدادی از شاعرانی است که بیش‌ترین غزل را در ادبیات کلاسیک ترکی سروده است؛ به همین دلیل به‌عنوان شاعر مهم غزل شناخته می‌شود؛ با وجود این، روحی با هفده بند خود که هر یک مشتمل بر هشت بیت است، به شهرت دست یافت (Kaplan, 2016: 265).

به طور کلی، در اشعار او، اشارات به آیات قرآنی و احادیث به فراوانی مشاهده می‌شود (Aktan & Eser, 2020: 28). عشق به رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم و اهل بیت علیهم‌السلام نیز از مضامین مکرر سروده‌های اوست (Özmen, 2020: 81). در شعر بررسی‌شده در این پژوهش هم عرض ارادت به ساحت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و بیان مناقب ایشان به‌وضوح به چشم می‌آید.

ترکیب‌بند مورد مطالعه، از حیث فکری، به جهت محتوای اجتماعی در تاریخ ادبیات ترکی مشهور است (Sarıkaya, 2017: 125). انتقاد از ریاکاری، طمع‌کاری و عدم قناعت در جای‌جای این سروده مشاهده می‌شود.

از بُعد زبانی، در واقع در منظومه مورد بحث ما، اکثریت واژه‌ها اصالتاً عربی و فارسی هستند که مخصوصاً مردم امروزی ترکیه نمی‌توانند آن‌ها را بفهمند. ابیاتی نیز در آن وجود دارند که شامل عبارات طولانی و اصطلاحات صوفیانه‌اند و بر دیریابی شعر برای خواننده امروزی افزوده‌اند (Güler, 2008: 30). شایان ذکر است که در ادامه، برای بررسی دقیق و اختصاصی تأثیرات زبان و ادب فارسی، از محاسبه تک‌واژه‌های عربی در شمار تک‌واژه‌های فارسی پرهیز کرده‌ایم؛ حتی اگر چنین عناصری از طریق زبان فارسی به زبان ترکی راه یافته باشند. در این پژوهش جنبه‌های مختلف این امر را نشان می‌دهیم.

۴. ترجمه شعر و بسامدسنجی تک‌واژه‌های فارسی آن

در این گفتار، ده بند نخستین ترکیب‌بند روحی بغدادی را به ترتیب ترجمه و از حیث شمار تک‌واژه‌های فارسی بسامدسنجی می‌کنیم. متن از Lise Edebiyat, 2013 گرفته شده است. تمام هفده بند شعر نیز در این منبع موجود است.

اعداد کوچک نوشته‌شده در کمانک مقابل هر مصراع، شمار کل تک‌واژه‌های آن مصراع هستند. نویسه‌های زیرخطدار نیز نشان‌دهنده تک‌واژه‌های فارسی هستند.

۴-۱. بند نخست

۴-۱-۱. متن ترکی

- Sanman bizi kim şîre-i engûr ile mestüz ⁽¹³⁾
Biz ehl-i harâbâtdanuz mest-i Elest'üz ⁽¹¹⁾
- Ter-dâmen olanlar bizi âlûde sanur lîk ⁽¹³⁾
Biz mâil-i bûs-i leb-i câm ü kef-i destüz ⁽¹³⁾
- Sadrın gözedüp neyleyelüm bezm-i cihânun ⁽¹³⁾
Pây-ı hum-ı meydür yerimüz bâde-perestüz ⁽¹¹⁾

4. Mâil değilüz kimsenün âzârına ammâ ⁽¹⁰⁾
Hâtr-şiken-i zâhid-i peymâne-şikestüz ⁽⁸⁾
5. Erbâb-ı garaz bizden irâğ olduğu yeğdür ⁽¹¹⁾
Düşmez yere zîrâ okumuz sâhib-i sastuz ⁽¹²⁾
6. Bu âlem-i fânide ne mîr ü ne gedâyuz ⁽¹⁰⁾
Â'lâlara â'lâlanuruz pest ile pestüz ⁽¹¹⁾
7. Hem-kâse-i erbâb-i dilüz arbedemiz yok ⁽¹⁰⁾
Meyhânedeyüz gerçi velî aşk ile mestüz ⁽¹¹⁾
8. Biz mest-i mey-i meykede-i âlem-i cânuz ⁽¹²⁾
Ser-halka-i cem'iyet-i peymâne-keşânuz ⁽¹⁰⁾

۴-۱-۲. برگردان فارسی

۱. میندارید که ما از شیرۀ انگور (شراب) مستیم. ما از اهل خراباتیم؛ مستِ الستیم.
۲. تردامنان ما را آلوده می‌پندارند؛ اما ما [تنها] مایل به بوسیدن لب جام و کف دست [پیر] هستیم.

۳. چرا به بالای مجلس بزم دنیا اهمیت دهیم؟ پای خم می‌جای ماست؛ باده‌پرستیم.
۴. به آزدن هیچ کس مایل نیستیم؛ اما خاطرشکن زاهد پیمانہ‌شکن هستیم.
۵. دور بودن غرض‌ورزان از ما بهتر است زیرا پیکان ما بر زمین نمی‌افتد؛ صاحب شستیم.
۶. در این جهان فانی نه امیریم و نه گدا. با تکبرورزان، متکبریم؛ با متواضعان، متواضعیم.
۷. هم‌پایالۀ ارباب دلیم، عربده‌ای نداریم. گرچه در می‌خانه‌ایم اما از عشق مستیم.
۸. ما مست می‌میکدۀ عالم جانیم. سرحلقۀ جمعیت پیمانہ‌کشانیم.

۴-۱-۳. تک‌واژه‌های فارسی

۶۸ تک‌واژه از مجموع ۱۷۹ تک‌واژه این بند را تک‌واژه‌های راه‌یافته از زبان فارسی تشکیل می‌دهند: شیر، ه، - (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۲۳ مورد)، انگور، مست، تر، دامن، آلود، ه، بوس، لب، جام، دست، بزم، جهان، پا، خم، می، باده، پرست، آزار، شکن، پیمانہ، شکست، زیرا، شست، نه...نه (تک‌واژه گسسته)، گدا، پست، پست، هم، دل، می، خانه، گر، چه، مست، مست، می، می، کده، جان، سر، پیمانہ، کش، -ان (نشانه جمع).

این میزان حدوداً معادل با بسامد ۳۷/۹۹٪ است.

۴-۲. بند دوم

۴-۲-۱. متن ترکی

1. Sâkî getür ol bâdeyi kim dâfi-i gamdur ⁽¹¹⁾
Saykal ur o mir'âta ki pür-jeng ü elemdür ⁽¹²⁾
2. Dil-bestelerüz bizden irâğ eyleme bir dem ⁽¹³⁾
Ol bâdeyi kim nûr-i dil ü dide-i Cem'dür ⁽¹³⁾
3. Ey h'âce fenâ ehline zinhâr ululanma ⁽¹¹⁾
Dervîşi bu mülkün şeh-i bi-hayl ü haşemdür ⁽¹²⁾
4. Hâk ol ki Hudâ mertebeni eyleye âli ⁽¹¹⁾
Tâc-i ser-i âlemdür o kim hâk-i kademdür ⁽¹²⁾
5. Gel doğrılalum meygedeye rağmına anın ⁽¹³⁾
Kim bâr-i riyâdan kad-i ber-geşesi hamdur ⁽¹³⁾
6. Mey sun bize sâkî bizüz ol kavm ki dirler ⁽¹⁴⁾
Rindân-i sabûhî-zede-i bezm-i kîdemdür ⁽¹²⁾

7. Bu nazmı Beyânî'den işit hâle münâsib⁽¹¹⁾
Kim zübde-i yârân-ı suhandân-ı Acem'dür⁽¹¹⁾
8. Mâ rind-i sabûhî-zede-i bezm-i Elestîm⁽¹²⁾
Piş ez heme derdî-keş ü piş ez heme mestîm⁽¹²⁾

۲-۲-۴. برگردان فارسی

۱. ساقی آن باده را بیاور که دورکننده غم است. [بدین وسیله] آن آیینه که پُرزنکار و الم است را صیقل بزن.
۲. ما دل‌بستگانیم؛ از ما یک نفس آن باده را که نور دل و دیده جمشید است دور مکن.
۳. ای خواجه، زنهار! نسبت به اهل فنا مغرور نباش. درویش این سرزمین، پادشاه بی‌خیل و حشم است.
۴. خاک شو که خدا مرتبه تو را عالی گرداند. آن که خاک قدم است، تاج سر عالم است.
۵. بیا به رغم آن کس که قد برگشته‌اش از بار ریا خم است، به سوی میکده برویم.
۶. ساقی به ما می‌دهد؛ ما آن گروهیم که گویند رندان صبحی زده بزم قدم هستیم.
۷. این نظم را از بیانی (احتمالاً منظور شهاب‌الدین عبدالله مروارید کرمانی است) که بر-گزیده یاران سخن‌دان عجم است بشنو که مناسب حال است:
۸. ما رند صبحی زده بزم هستیم. پیش از همه دردی کش و پیش از همه مستیم.

۳-۲-۴. تکواژهای فارسی

از مجموع ۱۹۳ تکواژ این بند، ۷۵ تکواژ، فارسی هستند:

باده، (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۱۸ مورد)، کی (که)، پُر، ژنگ، دل، بست، ه، دم، باده، دل، دید، ه، جم، خواجه، زنهار، درویش، شه (شاه)، بی، خاک، کی (که)، خدا، تاج، سر، خاک، می، گده (کده)، بار، بر، گشت، ه، خم، می، کی (که)، رند، ان (نشانه جمع)، زده، ه، بزم، یار، ان (نشانه جمع)، سخن، دان، ما، رند، زده، ه، بزم، -یم (شناسه اول شخص جمع)، پیش، از، همه، کش، پیش، از، همه، مست، -یم (شناسه اول شخص جمع).

این میزان تقریباً بسامد ۳۸/۸۶٪ را نشان می‌دهد.

۳-۳-۴. بند سوم

۱-۳-۴. متن ترکی

1. Hoş gûşe-i zevk idi safâ ehline 'âlem⁽¹²⁾
Bir hâl ile sürseydi eger 'ömrini âdem⁽¹²⁾
2. Sıhhat sonı derd olmasa vuslat demî hicrân⁽¹²⁾
Nûş âhiri nîş olmasa sûr âhiri mâtem⁽¹²⁾
3. Bu 'âlem-i fânide safâyı ol ider kim⁽¹²⁾
Yeksân ola yanında eger zevk u eger gam⁽¹³⁾
4. Dâ'im ola hem-sohbet-i rindân-ı kadeh-nûş⁽¹²⁾
Varın koya meydâna eger bîş ü eger kem⁽¹³⁾
5. Sûfî ki safâda geçinür Mâlik-i dînâr⁽¹⁰⁾
Bir dirhemini alsan olur hâtırı derhem⁽¹⁴⁾
6. Zâhir bu ki âhir yeri hâk olsa gerekdür⁽¹²⁾
Ger dirheme muhtâc ola ger mâlik-i dirhem⁽¹¹⁾
7. Mey sun bize sâkî içelüm rağmına anun⁽¹³⁾
Kim cehli ile bilmedügi yerden urur dem⁽¹⁴⁾

8. Her münkir-i keyfiyyet-i erbâb-ı harâbât ⁽¹⁰⁾
Öz akli ile Hakk'ı diler bulmağa heyhât ⁽¹³⁾

۲-۳-۴. برگردان فارسی

۱. دنیا برای اهل صفا، خوش گوشه‌ای برای نشاط می‌بود اگر انسان عمر خود را در یک حال می‌گذراند.
۲. اگر پایان سلامتی، درد؛ پایان وصال، هجران؛ پایان نوش، نیش و پایان جشن، ماتم نباشد.
۳. در این دنیای فانی، کسی خوشی می‌کند که نزد او نشاط و غم یک‌سان باشد.
۴. همواره هم‌صحبت رندان قدح‌نوش باشد. آن‌چه را دارد، چه بیش و چه کم، به میدان بیاورد.
۵. صوفی که در مورد صفا ادعای مالک دینار بودن می‌کند، اگر یک درهم او را بگیری، خاطرش پریشان می‌شود.
۶. به نظر می‌رسد که واپسین جایش باید خاک باشد؛ چه محتاج به درهم باشد و چه مالک درهم.
۷. ساقی به ما می‌بده [تا] به رغم آن که با نادانی‌اش از جایی که نمی‌داند دم می‌زند، بنوشیم.
۸. هر انکارکننده چگونگی اهل خرابات، آرزو دارد با عقل خود حق را بیابد. هیهات!

۳-۳-۴. تک‌واژه‌های فارسی

تعداد ۴۱ تک‌واژه از مجموع ۱۹۵ تک‌واژه این بند فارسی هستند:

- خوش، گوش، ه، - (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۹ مورد)، اگر، درد، دم، نوش، نیش، سور، یک، سان، اگر، اگر، هم، رند، -ان (نشانه جمع)، نوش، میدان، اگر، بیش، اگر، کم، کی (که)، در، هم، کی (که)، خاک، گر، می، دم، هر.

بنابراین، حدود ۲۱/۰۳٪ تک‌واژه‌های این بند، برگرفته از زبان فارسی هستند.

۴-۴. بند چهارم

۱-۴-۴. متن ترکی

1. Gör zâhidi kim sâhib-i irşâd olayım der ⁽¹⁴⁾
Dün mektebe vardı bugün üstâd olayım der ⁽¹⁵⁾
2. Meyhânede ister yıkılıp olmaya vîrân ⁽¹⁴⁾
Bîçâre harâbâtta âbâd olayım der ⁽¹²⁾
3. Bir serv-kadün bende-i efgendes olsun ⁽¹²⁾
Âlemde o kim gussadan âzâd olayım der ⁽¹³⁾
4. 'Ömrin geçirüp kûh-ı belâda dil-i şeydâ ⁽¹³⁾
Berhem-zen-i hengâme-i Ferhâd olayım der ⁽¹³⁾
5. Vasl istemeyüp hier ile hoş geçdügi bu kim ⁽¹²⁾
Miskîn gam-ı cânâneye mu'tâd olayım der ⁽¹³⁾
6. Elden komasun gül gibi câm-ı meyi bir dem ⁽¹⁴⁾
Her kim ki bu gamhânede dilşâd olayım der ⁽¹⁵⁾
7. Gezdi yürüdi bulmadı bir eğlenecek yer ⁽¹⁴⁾
Min-ba'd yine 'âzîm-i Bağdâd olayım der ⁽¹³⁾
8. Bağdâd sadefdür güheri dürr-i Necef'dür ⁽¹⁰⁾
Yanında anun dürr ü güher seng-i hazefdür ⁽¹²⁾

۲-۴-۴. برگردان فارسی

۱. زاهد را ببین که گوید صاحب ارشاد شوم. دیروز به مکتب رسید، امروز گوید استاد شوم.

۲. می‌خواهد در می‌خانه خراب شود [اما] ویران نباشد. بی‌چاره گوید در خرابات، آباد باشم!
۳. بندهٔ افکندهٔ یک [معشوق] سروقد شود، در عالم آن کس که گوید از غصه آزاد شوم.
۴. دل دیوانه که عمر خود را در کوه بلا گذرانده است، گوید برهم‌زنندهٔ هنگامهٔ فرهاد شوم (شهرت او را از بین ببرم و مشهورتر از او شوم).
۵. خوش بودن با هجران و خواستار وصال نبودن، [به] این [سبب] است که مسکین گوید به غم [فراق] معشوق معتاد شوم.
۶. یک لحظه جام می‌مانند گل سرخ را از کف نهد، هر کس که گوید در این غم‌خانه (دنیا) دل شاد شوم.
۷. گشت، راه پیمود [اما] جایی برای خوش بودن نیافت. گوید از این پس دوباره عازم بغداد شوم.
۸. بغداد صدف است، گوهر آن، در نجف (حضرت علی علیه‌السلام) است. در کنار او، مروارید و گوهر، سنگ سفال [و بی‌ارزش] است.

۳-۴-۴. تکواژهای فارسی

در میان ۲۰۹ تکواژ این بند، ۴۹ تکواژ فارسی دیده می‌شود:

- (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۱۱ مورد)، استاد، می، خانه، ویران، بی، چاره، آباد، بنده، افگند (افکنند)، ه، آزاد، کوه، دل، شیدا، بر، هم، زن، هنگامه، فرهاد، خوش، جان، انه، گل، جام، می، دم، هر، کی (که)، خانه، دل، شاد، بخ، داد، بخ، داد، گهر، گهر، سنگ.
- بر این پایه، نزدیک به ۲۳/۴۴٪ تکواژهای این بند، فارسی‌اند.

۵-۴. بند پنجم

۱-۵-۴. متن ترکی

- Ol gevher-i yektâ ki bulunmaz ana hemtâ ⁽¹⁴⁾
Gelmez sade*f*-i kevne bir öyle d*ür*-i yektâ ⁽¹³⁾
- Ol zât-ı şerîfe yaraşır da'vî-i himmet ⁽¹¹⁾
Kim oldu ne dünyâ ana maksûd ne ukbâ ⁽¹⁰⁾
- Kim derk eder anı ki ola zâtına ma'lum ⁽¹⁵⁾
Remz-i kütüb-i medrese-i âlem-i bâlâ ⁽⁹⁾
- Ol zâhidün ağlar yer ü gök haline yarın ⁽¹³⁾
Kim içmeye destinden anın câm-i musaffâ ⁽¹³⁾
- Bir noktadadır sırrı dedi çar kitâbın ⁽¹²⁾
Ol çardadur sırr-ı kütüphan*e*-i eşyâ ⁽¹⁰⁾
- Ol nokta benim dedi dönüp remzini seyret ⁽¹⁵⁾
Ya'ni ki benim cümle-i esmâya müsemmâ ⁽⁹⁾
- Cün hisse imiş kıssadan ehl-i dile maksûd ⁽¹¹⁾
Maksûd nedür anla bil ey ârif-i dânâ ⁽¹²⁾
- Hep mağlatadur lâklaka-yı bâtin ü zâhir ⁽⁸⁾
Bir nokta imiş asl-ı suhan evvel ü âhir ⁽¹⁰⁾

۲-۵-۴. برگردان فارسی

۱. آن گوهر یگانه که همتایی برای او یافته نمی‌شود؛ به صدف هستی، [دیگر] چنان گوهر یکتایی نمی‌آید.

۲. ادعای بلندطبعی براننده آن ذات شریف است که نه دنیا مقصود او شد نه آخرت.
۳. کسی او را درک می‌کند که بر ذاتش، سر کتاب‌های مدرسه آسمانی علم، معلوم باشد.
۴. فردا زمین و آسمان بر حال آن زاهد می‌گریند که جام بی‌غش را از دست او ننوشد.
۵. [حضرت علی علیه‌السلام] گفت: «سر چهار کتاب در یک نقطه است. سر کتاب‌خانه اشیا در آن چهار است.»
۶. گفت: «آن نقطه منم یعنی که من مسمای تمام اسم‌ها هستم.» برگشته و رمزش را بنگر.
۷. ای عارف دانا؛ چون مقصود اهل دل از قصه، بهره و حصه است، بفهم و بدان که مقصود چیست.
۸. باوه‌گویی باطن و ظاهر، سراسر مغلطه است. اساس سخن، اول و آخر، یک نقطه بوده است.

۴-۵-۳. تک‌واژه‌های فارسی

- ۴۰ تک‌واژه فارسی در بین ۱۸۵ تک‌واژه این بند به چشم می‌خورد:
- گوهر، - (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۱۷ مورد)، یک، تا، کی (که)، هم، تا، یک، تا، نه...نه (تک‌واژه گسسته)، کی (که)، بالا، دست، جام، چار (چهار)، چار (چهار)، خانه، کی (که)، چون، دل، دان، ا، هپ (هم)، سخن.

بر این اساس، حدود ۲۱/۶۲٪ از تک‌واژه‌های این بند، فارسی هستند.

۴-۶. بند ششم

۴-۶-۱. متن ترکی

1. Ey sâhib-i kudret kanı insâf ü mürüvvet ⁽⁸⁾
Rindân-ı mey-âşâma niçin olmaya rağbet ⁽¹³⁾
2. Kismetleri dersin ezeli cevri ü cefâdur ⁽¹³⁾
Cevri ola niçin zevk u safâ olmaya kismet ⁽¹⁴⁾
3. Dersin ki bugün eylemeyen yarın eder zevk ⁽¹⁴⁾
Çok mu iki gün bendelerin eyleye işret ⁽¹¹⁾
4. Hacetlerimiz kâdir iken kılmağa hâsıl ⁽⁹⁾
Salmak kereminden bizi ferdâya ne hâcet ⁽¹¹⁾
5. Nâcâr çeker halk bu zahmetleri yohsa ⁽¹³⁾
Âdem kara dağ olsa getirmez buna tâkat ⁽¹²⁾
6. Hâlün kime açsan sana der hikmeti vardur ⁽¹⁷⁾
Öldürdi bizi âh bilinmez mi bu hikmet ⁽¹⁴⁾
7. Bihûde dönüp neyler ola başımız üzre ⁽¹³⁾
Halkun bu felek dedüğü dôlâb-ı meşakkat ⁽¹¹⁾
8. Bihûde yeter döndü hemân terkini kılsa ⁽¹⁴⁾
Kim aksine devr eylemeden yeğdi yıkılsa ⁽¹⁴⁾

۴-۶-۲. برگردان فارسی

۱. ای صاحب قدرت، انصاف و مروت کجاست؟ چرا به رندان می‌آشام رغبت نمی‌شود؟
۲. اگر بگویی قسمت آنان، جور و جفای ازلی است، [می‌پرسم] اگر قسمت، ستم باشد، چرا ذوق و صفا نباشد؟
۳. می‌گویی کسی که امروز شادی نکند، فردا خواهد کرد. آیا زیاد است که بندگان دو روز عشرت کنند؟

۴. وقتی توانایی داری که نیازهای ما را برآوری، چه حاجت که [اجابت] ما را از کرم به فردا بیندازی؟
۵. مردم به‌ناچار این زحمت‌ها را می‌کشند؛ وگرنه اگر انسان کوه سیاه هم باشد، تاب این [زحمات] را نمی‌آورد.
۶. حال خود را برای هر کس بگشایی، به تو می‌گوید: «حکمتی دارد.» ما را کُشت. آه! آیا این حکمت دانسته نمی‌شود؟
۷. این چرخِ سختی و مشقت که مردم به آن فلک می‌گویند، بیهوده بالای سر ما چرخیده و چه می‌کند؟
۸. به اندازه کافی، بیهوده گردید، اگر آن [کار] را ترک کند؛ زیرا اگر ویران شود بهتر است از این که بر عکس بچرخد.

۴-۶-۳. تکواژهای فارسی

از کل ۲۰۱ تکواژ این بند، ۱۸ عدد، فارسی به شمار می‌روند:

- (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۳ مورد)، رند، -ان (نشانه جمع)، می، آشام، کی (که)، بنده، فردا، نا، چار، بیهوده، دول، آب، بیهوده، هم، آن.

از این رو، بسامد تکواژهای فارسی این بند، نزدیک به ۸/۹۶٪ است.

۴-۷-۷. بند هفتم

۴-۷-۱. متن ترکی

1. *Çarhun ki ne sa'dinde ne nahsinde bekâ var* ⁽¹²⁾
Dehrün ki ne hâsında ne 'âmında vefâ var ⁽¹²⁾
2. *Aldanma anın sa'dine nahsinden alınma* ⁽¹⁵⁾
Nahsinde deme mihnet ü sa'dinde safâ var ⁽¹³⁾
3. *Meyl etme anın hâsına 'amından üşenme* ⁽¹⁵⁾
'Amında deme hisset ü hâsında 'atâ var ⁽¹³⁾
4. *Cehd eyle hemân gayr eline bakmaya gör kim* ⁽¹⁵⁾
Benden ne sana fâide senden ne bana var ⁽¹¹⁾
5. *Eğninde görüp gayrilerin atlas ü dîbâ* ⁽¹¹⁾
Gam çekme ki eğnimde benüm köhne abâ var ⁽¹³⁾
6. *Geç cümle bu efkârdan ü ârif-i vakt ol* ⁽¹²⁾
Sergeste bil anı ki serinde bu hevâ var ⁽¹⁴⁾
7. *Ferdâ elemin çekme mey iç bak ruh-ı hûba* ⁽¹⁶⁾
Âşıklara ferdâda dahi va'd-i likâ var ⁽¹⁰⁾
8. *El verse safâ fırsati fevt eyleme bir dem* ⁽¹³⁾
Düyâ ana değmez ki cefâsın çeke âdem ⁽¹⁴⁾

۴-۷-۲. برگردان فارسی

۱. چرخ که نه در سعدش بقا هست و نه در نحشش؛ دهر که نه در عامش وفت هست و نه در خاصش.
۲. فریب سعدش را مخور و از نحشش دل‌گیر مشو. نگو که در نحشش محنت و در سعدش صفا هست.

۳. به خاصش میل نکن و از عامش بی‌حوصله مشو. نگو در عامش خست است و در خاصش بخشش و عطا.
۴. تلاش کن و نگرستن به دست دیگران (توقع از دیگران داشتن) را [چنین] ببین که نه من فایده‌ای برای تو دارم و نه تو برای من.
۵. وقتی بر پشت دیگران، اطلس و دیبا می‌بینی، غم مخور که بر پشت من، عبایی کهنه است.
۶. از همه این اندیشه‌ها بگذر و عارف وقت باش [و دم را غنیمت شمار]. آن کس را که در سرش این هوا و هوس است، سرگشته بدان.
۷. غصه فردا را مخور، می‌بنوش، به رخ زیبا بنگر. برای عاشقان در فردا نیز وعده دیدار است.
۸. اگر دست دهد (ممکن شود)، فرصت صفا را یک لحظه از دست مده. دنیا به آن نمی‌ارزد که انسان جفايش را بکشد.

۳-۷-۴. تک‌واژه‌های فارسی

در میان ۲۰۹ تک‌واژه این بند، تعداد ۲۶ تک‌واژه فارسی مشاهده می‌شود:

چرخ، کی (که)، نه...نه (تک‌واژه گسسته)، کی (که)، نه...نه (تک‌واژه گسسته)، هم، آن، نه...نه (تک‌واژه گسسته)، دیبا، کی (که)، کهنه، - (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۳ مورد)، سر، گشت، ه، کی (که)، سر، فردا، می، رخ، خوب، فردا، دم، کی (که).

بر این پایه، تقریباً ۱۲/۴۴٪ تک‌واژه‌های این بند، فارسی‌اند.

۸-۴. بند هشتم

۱-۸-۴. متن ترکی

1. *Giryen kopar ey hâce meğer kim ciğgeründen* ⁽¹⁴⁾
Kim çıktı ciğer pâreleri çeşm-i teründen ⁽¹³⁾
2. Bin *giry*e edersin seni âhir ayırurlar ⁽¹²⁾
Ferzend ü *zen* ü tantana-i sîm ü *zeründen* ⁽¹¹⁾
3. Bu mülk-i fenâyâ *ki* ademden *güzer* ettin ⁽¹²⁾
Sûdun nedür ancak anı bil sen seferinden ⁽¹³⁾
4. Yok çıkmağa gönlün *der-i dünyâ-yı* denîden ⁽¹²⁾
Billâh dahî *hoşnud* mısun yoksa yeründen ⁽¹²⁾
5. Bu mezbeleden böyle *güzâr* eyleyi gör kim ⁽¹¹⁾
Bir zerre gubâr ırmeye *tâ rehğüzeründen* ⁽¹²⁾
6. Sîm ile *zeri* kendüne kat kat *siper* ettin ⁽¹³⁾
Merg okını geçmez mi sanursun *siperünden* ⁽¹³⁾
7. Akl adın anup kendüni teşvişe düşürme ⁽¹⁵⁾
Divâne olup ref'-i kalem kıl üzerinden ⁽¹¹⁾
8. Ey *hâce eğer* kim sen isen âkil ü *dânâ* ⁽¹¹⁾
*Seydâluğ*ı bin akla değışmez *dil-i şeyda* ⁽¹²⁾

۲-۸-۴. برگردان فارسی

۱. ای خواجه، گویا گریهات از جگرت جدا می‌شود؛ چرا که پاره‌های جگر از چشم ترت خارج شد.
۲. هزار گریه می‌کنی [اما] آخر تو را از فرزند و زن و جلال و شکوه سیم و زرت جدا می‌کنند.

۳. به این مُلک فنا که از عدم گذر کردی، فقط آن را بدان که سودت از سرفت چیست.
۴. دل خارج شدن از در دنیای پست را نداری؛ وگرنه، به خدا سوگند، از جایب بسیار خشنود هستی؟
۵. از این زباله‌دان چنان گذاری را سامان بده که ذره‌ای غبار از گذرگاهت [به تو یا دیگران] نرسد.
۶. سیم و زر را لایه لایه بر خودت سپر کردی. آیا پیکان مرگ را ناگذرا از سپرت می‌پنداری؟
۷. نام عقل را ذکر مکن و خود را به تشویش میفکن. دیوانه شو و قلم [مسئولیت] را از خود بردار. (بیت تلمیحی به حدیثی مشهور دارد که شیعه و سنی آن را از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَقَلَ کرده‌اند که فرمود: رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ؛ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيْقَ وَعَنِ الْوَلَدِ حَتَّى يَحْتَلِمَ. منظور آن است که قلم تکلیف از دوش سه گروه برداشته شده است: از خوابیده تا زمانی که بیدار شود، از دیوانه تا هشیار گردد و از کودک تا به بلوغ برسد).
۸. ای خواجه، اگر که عاقل و دانا تو هستی، دل شیدا، شیدایی را با هزار عقل عوض نمی‌کند.

۴-۸-۳. تکواژهای فارسی

از کل ۱۹۷ تکواژ این بند، ۴۳ تکواژ، برگرفته از زبان فارسی هستند:

گری، ه، خواجه، م، گر، جگر، جگر، پاره، چشم، - (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۷ مورد)، تر، گری، ه، فرزند، زن، زر، کی (که)، گذر، سود، در، خشنود، گذار، تا، ره، گذر، زر، سپر، مرگ، سپر، دیوانه، خواجه، اگر، دان، ا، شیدا، دل، شیدا.

بر این پایه، تقریباً ۲۱/۸۳٪ تکواژهای این بند، فارسی هستند.

۴-۹. بند نهم

۴-۹-۱. متن ترکی

- Vardum seherî tâ'at için mescide nâgâh ⁽¹¹⁾
Gördüm oturur halka olup bir nice gümrâh ⁽¹³⁾
- Girmiş kemer-i vahdete almış ele tesbîh ⁽¹³⁾
Her birisinün vird-i zebânı çil ü pencâh ⁽¹¹⁾
- Didüm ne satarsuz ne alursuz ne virirsüz ⁽¹⁵⁾
K'aslâ dilinüzde ne nebî var ne hûd Allah ⁽¹⁰⁾
- Didi biri kim sehrimüzün hâkim-i vakti ⁽¹²⁾
Hayr itmek için halka gelür mescide her gâh ⁽¹³⁾
- İhsâmî ya pencâh ya çildür fukaraya ⁽⁸⁾
Sabr eyle ki demdür gele ol mîr-i felek-câh ⁽¹⁴⁾
- Geldüklerini mescide bildüm ne içündür ⁽¹³⁾
Yüz döndürüp andan didüm ey kavm olun âgâh ⁽¹⁴⁾
- Sizden kim ırağ oldu ise Hakk'a yakındur ⁽¹²⁾
Zirâ ki dalâlet yolıdır gıtdüğünüz râh ⁽¹⁰⁾
- Tahkik bu kim hep işinüz zerk ü riyâdur ⁽¹⁰⁾
Takiiddesüz tâ'atünüz cümle hebâdur ⁽⁸⁾

۴-۹-۲. برگردان فارسی

۱. برای نماز صبح، ناگاه به مسجد رسیدم. دیدم تعداد بسیاری گمراه حلقه زده و می- نشینند.
۲. به حلقه وحدت وارد شده و به دست تسبیح گرفته‌اند. ورد زبان هر یک از آنان، چهل و پنجاه [بود].
۳. گفتم چه می‌فروشید؟ چه می‌خرید؟ چه می‌دهید؟ که اصلاً بر زبانانان نه پیغمبر است و نه خود، الله.
۴. کسی گفت که حاکم وقت شهرمان، هر گاه برای خیررسانی به مردم به حلقه می‌آید.
۵. احسان او به فقرا یا پنجاه [سکه] است یا چهل [سکه]. صبر کن که زمانی است که آن امیر فلک‌جاه بیاید.
۶. دانستم آمدن آنان به مسجد برای چیست. از آن رو برگردانده و پس از آن گفتم ای قوم، آگاه باشید؛
۷. هر کس از شما دور شد به حق نزدیک است؛ زیرا راهی که می‌روید، راه گمراهی است.
۸. حقیقت این است که همه کار شما زرق و ریا است. در تقلید هستید و طاعت شما سراسر تباه است.

۴-۹-۳. تک‌واژه‌های فارسی

۳۰ تک‌واژه فارسی، در میان ۱۸۷ تک‌واژه این بند دیده می‌شوند:

- نا، گاه، گم، راه، کمر، - (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۴ مورد)، هر، زبان، چل (چهل)، پنجاه، ک (که)، نه... نه (تک‌واژه گسسته)، خود، شهر، هر، گاه، یا... یا (تک‌واژه گسسته)، پنجاه، چل (چهل)، کی (که)، دم، جاه، آگاه، زیرا، کی (که)، راه، هپ (هم).
- بر این اساس، نزدیک به ۱۶/۰۴٪ تک‌واژه‌های این بند، از زبان فارسی وام گرفته شده‌اند.

۴-۱۰-۱. بند دهم

۴-۱۰-۱. متن ترکی

1. Dünyâda denîlerden idersin tama'-i hâm ⁽¹¹⁾
Ey hâm-i tama' niceye dek bu tama'-i hâm ⁽¹¹⁾
2. Bir âdemi ger cübbe vü destâr ile görsen ⁽¹²⁾
Eylersün anun cübbe vü destârına ikrâm ⁽¹²⁾
3. Nakşın çıkarup eylemedin zâtını ma'lûm ⁽¹⁴⁾
Başlarsın ana eylemeğe fakrunı i'lâm ⁽¹³⁾
4. Cerrâr diyü virmez olur Tanrı selâmın ⁽¹²⁾
Sermende ider itse sana habbece in'âm ⁽¹³⁾
5. Sen er olasin hirkada nâmun ola derviş ⁽¹³⁾
Mülhid diyü yandurmağa eyler seni ikdam ⁽¹³⁾
6. Yazuk sana kim eylesin hırs u tama'dan ⁽¹¹⁾
Bir habbe için kendüni 'âlemlere bed-nâm ⁽¹¹⁾
7. Yok sende kanâ'at gözün aç olduğu oldur ⁽¹²⁾
Rızkun irişür sana eğër subh u eğër sâam ⁽¹³⁾
8. Et lokması lâzım mı toyurmaz mı seni nân ⁽¹³⁾
Zehr olsun o lokma k'ola pes-mânde-i dûnân ⁽¹⁶⁾

۴-۱۰-۲. برگردان فارسی

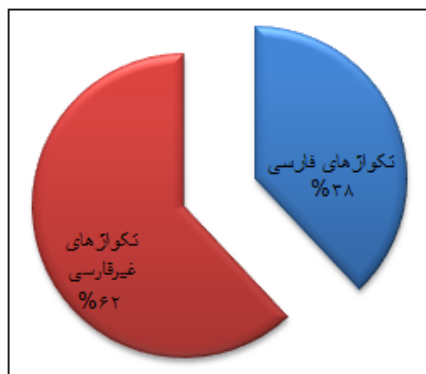
۱. در دنیا به افراد پست، طمع خام داری. ای خام طمع، تا به کی این طمع خام؟
۲. اگر انسانی را با جبه و دستار ببینی، به جبه و دستار او احترام می‌گذاری.
۳. [ظاهر و] نقشت را بیرون افکندی و ذات و درونت را آشکار نساختی. شروع به اظهار نمودن فقرت به او می‌نمایی.
۴. سلام خداوند به‌عنوان این که به سوی خود کشنده هستی، [دیگر] به تو نمی‌رسد [و] اگر او به اندازه جبه‌ای به تو انعام نماید، شرمندهات می‌سازد.
۵. اگر تو مرد [و] خرّقه‌پوش باشی و نامت درویش باشد، اقدام به سوزاندن تو به‌عنوان ملحد و کافر می‌کند.
۶. حیف تو که از حرص و طمع، برای جبه‌ای خود را به عالم‌ها بدنام می‌کنی.
۷. در تو قناعت نیست. [سبب] گرسنگی چشمت، آن است. روزی تو به تو می‌رسد؛ چه صبح و چه شام.
۸. آیا لقمه گوشت لازم است؟ آیا نان تو را سیر نمی‌سازد؟ زهر شود آن لقمه‌ای که پس - مانده دوان باشد.

۴-۱۰-۳. تکواژهای فارسی

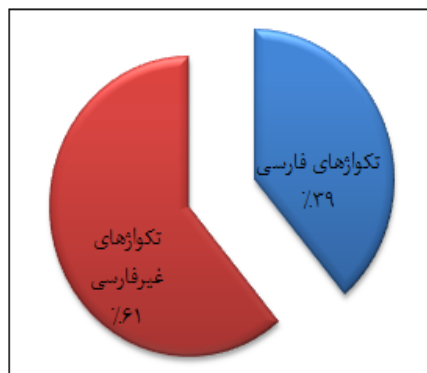
در میان ۲۰۰ تکواژ این بند، ۲۸ مورد از زبان فارسی برگرفته شده‌اند: - (نقش‌نمای اضافه یا وصف) (۴ مورد)، خام، خام، گر، دست، ار، دست، ار، شرم، نده، نام، درویش، بد، نام، اگر، اگر، شام، نان، زهر، ک (که)، پس، ماند، ه، -ان (نشانه جمع). بدین ترتیب، ۱۴٪ تکواژهای این بند، فارسی هستند.

۵. نتیجه

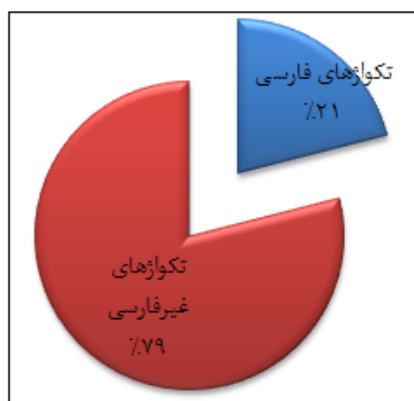
در میان مجموع ۱۹۵۵ تکواژ ده بند مورد بررسی، ۴۱۸ تکواژ فارسی یافت شد. این آمار، بسامدی نزدیک به ۲۱/۳۸٪ یعنی بیش از یک پنجم را در کل متن تحلیل شده نشان می‌دهد. در ادامه، این داده‌ها در ۱۱ نمودار خلاصه و دیداری‌سازی شده‌اند:



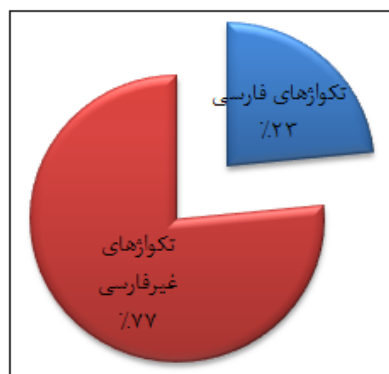
نمودار ۱- بسامد تکواژها در بند نخست



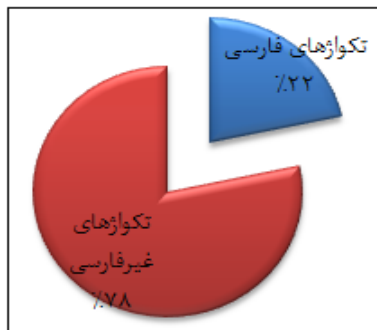
نمودار ۲- بسامد تک‌واژه‌ها در بند دوم



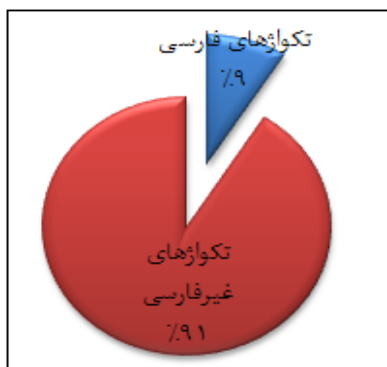
نمودار ۳- بسامد تک‌واژه‌ها در بند سوم



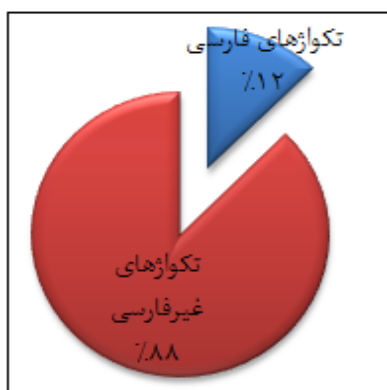
نمودار ۴- بسامد تک‌واژه‌ها در بند چهارم



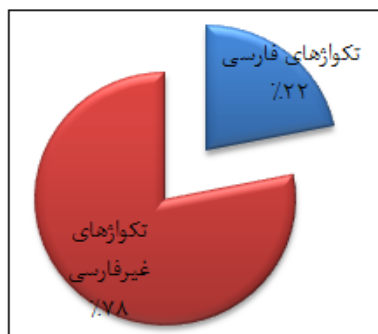
نمودار ۵- بسامد تکواژها در بند پنجم



نمودار ۶- بسامد تکواژها در بند ششم



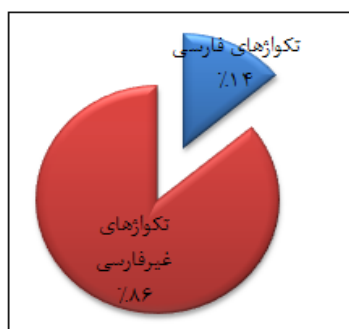
نمودار ۷- بسامد تکواژها در بند هفتم



نمودار ۸- بسامد تک‌واژه‌ها در بند هشتم



نمودار ۹- بسامد تک‌واژه‌ها در بند نهم



نمودار ۱۰- بسامد تک‌واژه‌ها در بند دهم



نمودار ۱۱- بسامد تکواژها در کل ده بند

شایان توجه است که در تمامی بندهای مورد مطالعه، تکواژ دستوری کسره اضافه و وصف مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده تأثیر ژرف زبان فارسی بر زبان ترکی عثمانی در حوزه ساخت و ترکیب است.

منابع

- آخوندی، عبدالحمید (۱۳۷۸)، «تکواژ»، *رشد زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۵۳، ۲۶-۲۷.
- دلبری‌پور، اصغر (۱۳۸۲)، «تعامل زبان و ادب فارسی با زبان و ادب ترک»، *نامه پارسی*، سال ۸، شماره ۳، ۷۹-۹۸.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶)، «واژه یا تکواژ»، *همایش زبان‌شناسی ایران*، دوره ۷، ۲۸۸-۲۹۹.
- علی‌نژاد، بتول، و طیب، سیدمحمدتقی (۱۳۸۵)، «نگاهی به دستگاه شمار اسم در فارسی معاصر»، *نشریه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۵، شماره ۳، ۱۷۰-۱۵۷.
- وفایی، عباس‌علی، و آلبوغیبش، عبدالله (۱۳۹۰)، «بررسی روش تکرار در ساخت واژه در زبان فارسی»، *پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی (گوه‌رگویا)*، سال ۵، شماره ۱، ۱۶-۱.
- Akhoundy, Abdolhamid (1999), "Morpheme", *Roshd-e Zabān va Adabiyyāt-e Fārsi*, Number 53, 26-27. [In Persian].
- Aktan, Muhammed Felat, & Eser, İzzet (2020), "Bağdatlı Rûhi'nin Divanı'nda İktibas Örnekleri", *International Journal of Filologia*, 3 (3), 26-36.
- Alinezhad, Batoul & Tayyeb, Sayyed Mohammadtaghi (2006), "A Look at the System of Noun Grammatical Number in Contemporary Persian", *Journal of Humanities and Social Sciences of Shiraz University*, 25 (3), 157-170. (In Persian)
- Delbaripour, Ali Asghar (2003), "Interaction between Perisan Language and Literature and Turkish Language and Literature", *Nāme-ye Pārsi*, 8 (3), 79-98. [In Persian].
- Güler, Zülfü (2008), "Bağdatlı Ruhî'nin Meşhur Terkiib-bendine Sosyal Psikoloji Açısından Bir Bakış", *New World Sciences Academy*, Vol. 3, Number 1, 28-43.
- Kaplan, Yunus (2016), "Kütahyalı Meşkî ve Bağdatlı Rûhî'nin Terkiib-i Bendine Naziresi", *SUTAD*, 39, 263-284.
- Lee, Hsin-Ju, Cheng, Shih-kuen, Lee, Chia-Ying., & Kuo, Wen-Jui (2021), "The neural basis of compound word processing revealed by varying semantic

- transparency and morphemic neighborhood size”, *Brain and Language*, Vol. 221, p. 104985, 1-8.
- Lise Edebiyat (2013), “Bağdatli Rûhî Terkib-i Bend Tam Metin”, Observed: 2/18/2023, Retrieved from <https://www.liseedebiyat.com/index.php/metn-ncelemes/2674-badadli-ruhi-oe-1605-06-terkib-i-bend.html>
- Özmen, Abdulsamet (2020), “Bağdatli Rûhî Dîvânî’nda Ehl-i Beyt Sevgisi”, *Uluslararası Türkçe Edebiyat Kültür Eğitim Dergisi*, Sayı 9(1), 80-93.
- Saldana, Carmen, Oseki, Yohei, & Culbertson, Jennifer (2021), “Cross-linguistic patterns of morpheme order reflect cognitive biases: An experimental study of case and number morphology”, *Journal of Memory and Language*, Vol. 118, p. 104204, 1-13.
- Sarı, İrfan, Erişen, Yavuz, Ejder, Ali, & İnci, Ersin (2015), “Morpheme Acquisition in EFL Context: Third Person Singular Agreement Morpheme –s”, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 199, 806–810.
- Sarıkaya, Erdem (2017), “Bağdatli Rûhî Divanı’nda Osmanlı Savaş Kültürüne Ait Kavramlar”, *Akademik Hassasiyetler*, Cilt 4, Sayı 7, 121-146.
- Shaghghi, Vida (2007), “Word or Morpheme”, 7th *Iran Linguistics Conference*, 288-299. [In Persian].
- Vafaie, Abbas Ali, & Alboghbish, Abdollah (2016), “A Study on Repetition Techniques in Persian Morphology”, *Research on Persian Language and Literature (Gowhar-e Guyā)*, 5 (1), 1-16. [In Persian].